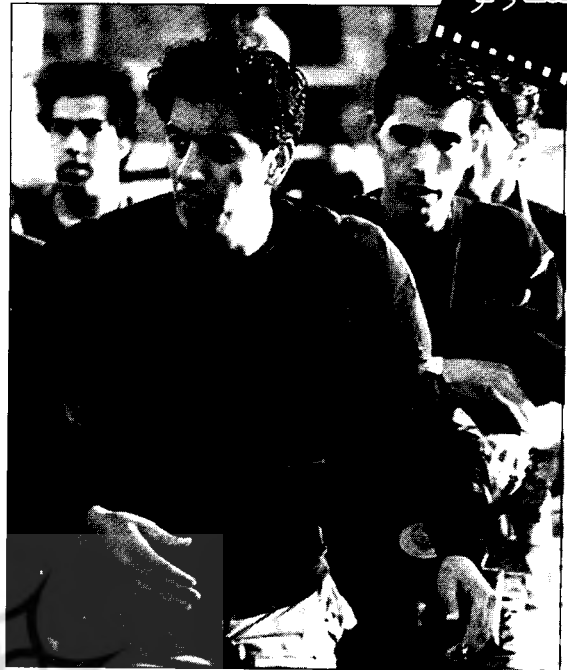


گفت و گویی چاپ‌نشده با شادروان پیمان ابدی
در مورد طراحی حرکات اکشن

هنر بازی با زندگی!



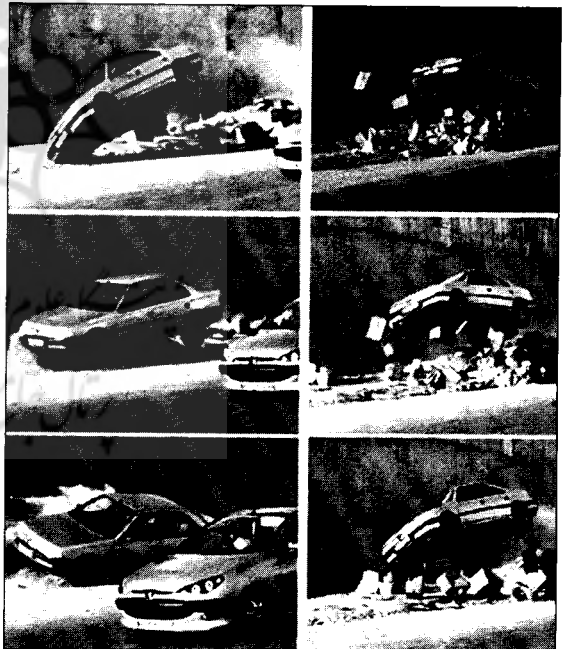
حدود دو سال قبل بود که در برنامه‌ی «به خانه برمی‌گردیم» ناگهان مردم چهره‌ی کسی را دیدند که کارگردان حرکات اکشن یکی از پرمخاطب‌ترین مجموعه‌های تلویزیونی خارجی پخش‌شده از تلویزیون (کبرا ۱۱) بود. «پیمان ابدی» کسی که آن صحنه‌های عجیب و غریب را طراحی کرده، به ایران آمده بود و حالا دو سال از آن ماجرا می‌گذشت؛ دو سالی که اگرچه با سختی‌ها، شایعه‌سازی‌ها و گاهی حسادت‌ها همراه بوده، اما باعث شده بود حتی برای ساده‌ترین صحنه‌های اکشن یا در فیلم‌ها حضور داشته باشد یا از او مشاوره بگیرند. گفت‌وگویی را که با پیمان ابدی پیش از درگذشت وی انجام داده بودیم با گرامیداشت خاطره‌اش به شما تقدیم می‌کنیم.

برای شروع بفرمایید که چه شد تصمیم گرفتید با وجود این کارتان در آلمان گرفته بود به ایران بازگردید و در سینمای ایران کار کنید؟

کبرا ۱۱ مجموعه‌ی بود که همه‌ی مردم می‌دیدند و آن را دوست داشتند اما یک نفر بود که اصلاً صدایش درنیامد که در این کار حضور دارد، نه به خاطر این که خجالت بکشم، بیش‌تر به دلیل این که دوست نداشتم این موضوع به گوش پدر و مادرم برسد. بالاخره آن‌ها از من دور بودند و نمی‌خواستم نگران شوند. وقتی که آقای اسلامی از طرف جام‌جم آمد تا در مورد کبرا ۱۱ تحقیق کند، آن موقع بود که همه فهمیدند داستان از چه قرار است و یک ایرانی به عنوان طراح حرکات اکشن در مجموعه کار می‌کند. در واقع این خبر که یک ایرانی دارد این کار را می‌کند از طرف من نبود و کسی که آمد و جنجال درست کرد و گفت من آمده‌ام و گفته‌ام به من کار بدهید ادعایش بی‌اساس است. مسئله‌ی اصلی این است که من را از طرف صدا و سیما و سفارت ایران در آلمان، به ایران آوردند.

در مورد این جار و جنجال‌هایی که بعد از آمدنتان به ایران به راه افتاد پیش‌تر توضیح بدهید.

با ورود من به ایران این مسایل شروع شد و متأسفانه برخی ادعا کرده‌اند که من گفته‌ام دکتر روان‌شناس هستم. من چنین چیزی نگفتم. من فقط گفتم درس روان‌شناسی ورزشی خواندم اما برای این که دکترا بگیرم مثل ایران باید مدارکم را تکمیل کنم و من هم به دلیل علاقه‌ی که به این کار داشتم موفق نشدم بروم و مدارکم را تحویل بدهم، بنابراین من دکترا نیستم ولی درس روان‌شناسی ورزشی را خواندم و به همین خاطر امروز



شادروان پیمان ابدی مدیر و کارگردان صحنه‌ها و برنامه‌های بدلکاری در فیلم‌ها و مجموعه‌های ایرانی و خارجی، حین انجام عملیات بدلکاری درگذشت به بهانه‌ی درگذشت او، مصاحبه‌ی را که همکارانمان چندی پیش با وی انجام داده‌اند و حاوی نکته‌های خواندنی است تقدیم حضورتان می‌کنیم.

احسان هوشیارگر



می‌توانم باعث شوم که بازیگرانی مثل مهرابه شریفی‌نیا، پوریا پورسرخ، محمدرضا گلزار، شهاب حسینی و تمام بازیگرانی که امروزه می‌بینیم در سینمای ایران کار اکشن انجام می‌دهند، بیایند جلوی ماشین بایستند و ماشین به سمتشان بیاید؛ مثل مرحوم خسرو شکیبایی که من در فیلم بختک با سرعت ۸۰ کیلومتر جلویش ترمز کردم و ایشان هم بدون هیچ مشکلی بازی خودش را انجام داد. چه‌طور من می‌توانم بدون هیچ تجربه‌ی بگویم فلانی هستم و شما هم به من اطمینان کنید تا کار را برایتان انجام بدهم. این دروغی است که در این دو سال و نیم که من کار کرده‌ام گفته شده، چون پیمان ابدی ارزان می‌گیرد همه با او کار می‌کنند، اتفاقاً من خیلی هم دستمزد بالایی می‌گیرم؛ مثل ماجرای بانجی جامبینگ که من خودم رفتم وسایلم را به اسم خودم و با امضای خودم خریدم و در گمرک هم به اسم من بار ترخیص شد و آموزش دادم و حتی دو نفر از اعضای گروهم را هم به خاطر مسایل ایمنی، سر کار گذاشتم اما وقتی می‌بینم فهم این قضیه وجود ندارد که به عنوان یک ورزش مردم بیایند و از آن استفاده کنند و یک نفر تنها به فکر منافع مالی خودش است، مسلم است که به من برمی‌خورد و خودم را کنار می‌کشم و بعدش هم به همین راحتی می‌گویند این وسایل را من خریدم و ابدی هیچ کاری نکرده است. من نمی‌دانم چه کار بدی در ایران انجام داده‌ام که هنوز هم یک خبرگزاری مثل البرز حرف‌های بی‌اساس یک نفر را در مورد من می‌نویسد یا این که می‌نویسند پیمان ابدی یک نفر را کتک زده است! یعنی من این قدر بیکارم که بخواهم یک نفر را بزنم، آن هم آدمی را که عقل درست و حسابی ندارد؟! تا حالا خواسته‌اید از طریق مراجع قانونی پیگیر این قضایا باشید؟

من چند بار باید بروم و خواهش کنم که از طرف فلان آدم چیزی در مورد من ننویسید، او با من خصومت شخصی دارد؟! من می‌توانم ثابت کنم این حرف‌هایی که می‌زند دروغ است، اما باز هم همان حرف‌ها را می‌نویسند. واقعاً خسته شدم از بس که گفتم، اصلاً به چه کسی شکایت کنم؟ جالب این است که این آدم آمد و خودش را به عنوان دوست من معرفی کرد؛ البته توانایی‌های خوبی هم داشت اما وقتی من دیدم که فقط منافع خودش را می‌بیند و من نوعی برایش مهم نیستم و وسیله‌ی برای رسیدن به هدفش هستم، ارتباطم را قطع کردم. مثلاً گفته‌اند که من به فیلم‌ها خسارت وارد می‌کنم ولی هیچ‌وقت نتوانسته‌اند این را ثابت کنند، چرا که من حتی هزینه‌ها را هم پایین می‌آورم. بنابراین در یک چنین جایی که حتی قانون کیفری هم وجود ندارد به کجا شکایت کنم؟ حتی عنوان می‌کنند تا عضو خانه سینما نشوم به من جایزه نمی‌دهند، در حالی که کسی با یک فیلم می‌رود آبرویمان را در خارج از کشور می‌برد و به او جایزه می‌دهند، حال من که صحنه‌هایی را اجرا می‌کنم که کسی حتی نمی‌توانست خوابش را ببیند بیایم و بروم زیرمجموعه‌ی جایی که حاضر نیست هیچ کاری برایم انجام بدهد قرار بگیرم؟! به خاطر یک تهمتی که به من زده بودند پلیس امنیت ملی من را خواست و تمام مدارکم را گرفت، فرستاد آلمان، تأیید شد و گفتند که شما هیچ مشکلی برای کار در ایران ندارید، حالا به نظر شما من بروم و از چه کسی شکایت کنم؟! برای این که از بحث اصلی دور نشویم، رابطه‌ی شما با کارگردانان

چه‌طور است؟

همین آدم‌هایی که می‌گویم پشت سر من حرف می‌زنند روز اول آمدند و پشت سر همه‌ی کارگردانان حرف زدند که فلانی اصلاً کار بلد نیست و ... اما وقتی من رفتم سر کار دیدم برخی واقعاً درک بالایی نسبت به کار دارند؛ مثل آقای سیروس مقدم که در مجموعه‌ی روز حسرت تمام

صحنه‌ی تصادف را در اختیار من قرار داد، حالا این که در تدوین به مشکل برمی‌خورند یا وقت ندارند تا از صحنه‌ی اصلی استفاده شود دلایل دیگری دارد. برای مثال در مجموعه‌ی ترانه‌ی مادری، صحنه‌ی اصلی در فیلم استفاده نشد اما وقتی مردم در پشت‌صحنه دیدند گفتند عجب کاری بوده! مملکت ما جمهوری اسلامی است و صدا و سیما یک‌سری قوانینی دارد مثل این که هیچ‌وقت نمی‌توانیم ببینیم که یک ماشین به بازیگر زن می‌خورد و او هم کاملاً طبیعی به هوا می‌رود. این‌ها را نمی‌شود در فیلم‌ها نشان داد، وگرنه دلیلی ندارد رابطه‌ی من با کارگردانان خوب نباشد.

برخی فکر می‌کنند کار شما بدلکاری است، در حالی که خودتان می‌گویید طراحی و کارگردانی حرکات اکشن؛ در این مورد پیش‌تر توضیح بدهید.

من اصلاً کارم بدلکاری نیست و در واقع طراحی و کارگردانی حرکات اکشن است. من خودم بازیگر هستم و اگر شما پشت‌صحنه‌ها را ببینید، زمانی که به یک بازیگر آموزش می‌دهم از خود او بهتر بازی می‌کنم طوری که کارگردان می‌گوید دقیقاً مثل پیمان ابدی بازی کن. پس نمی‌توانم به دروغ بگویم که بدلکار هستم. در حال حاضر دو سال است که فقط آموزش می‌دهم و به ۵۰ - ۴۰ نفر هر چیزی را که بدم یاد می‌دهم و آن هم نه



آموزش‌های سطحی. من در مجله‌های مختلف مثل صنعت سینما و فیلم در مورد طراحی حرکات اکشن مطلب نوشته‌ام؛ چه کتابی وجود دارد که من بخواهم از روی آن این چیزها را بنویسم؟ و اگر هست چرا تا به حال کسی چیزی نگفته است؟ یعنی کارگردانان و فیلمسازان ما این قدر خوش‌باورند که بی‌دلیل فیلمشان را به من بدهند؟!

در این چند وقت اخیر از طرف خانه‌ی سینما بارها عنوان شده که پیمان ابدی اگر تمایل دارد یک انجمن مستقل برای کار تأسیس کند تا هم زیر نظر خانه‌ی سینما باشد و هم بتواند از امکانات آن‌جا استفاده کند؛ آیا خودتان به این فکر افتاده‌اید؟

اتفاقاً بارها از طرف خانه‌ی سینما با من تماس گرفتند و خواستند که بروم و عضو آن‌جا بشوم. حتی اگر یک چنین انجمنی را تشکیل هم بدهم نمی‌گذارم که از من سوءاستفاده شود. شما زمانی انجمنی تأسیس می‌کنید و زیر نظر مجموعه‌ی می‌روید که آن مجموعه برایتان ارزش قابل بشود اما وقتی که برای شما ارزش قابل نیست به این نتیجه می‌رسید طرفی که در این خصوص اظهار نظر می‌کند، بی‌سواد است و چه دلیلی دارد که من بروم زیرمجموعه‌اش قرار بگیرم.

یعنی خانه‌ی سینما انتظار دارد شما زیر نظر جلوه‌های ویژه کار کنید؟

دقیقاً، در حالی که وقتی قرار است یک صحنه‌ی اکشن به وجود بیاید من هستم که باید بگویم چه چیزی کجا باشد، یعنی من کارگردان بخش اکشن هستم و در واقع جلوه‌های ویژه‌ی بصری و من باید مشترکاً صحنه‌ی را طراحی کنیم. ما یونیت ۲ هستیم، یعنی هر فیلمی شامل دو گروه می‌شود؛ گروه اول، گروه درام است که متشکل از بازیگران و کسانی بوده که صحنه‌های درام را فیلمبرداری می‌کنند و گروه دوم هم ما هستیم که بخش اکشن کار به عهده‌ی ماست و کارگردان خودش را جداگانه دارد و حتی گروه فیلمبرداری و عکاس جدا دارد و تنها واژه‌ی مشترک، بازیگران هستند که دو کارگردان می‌نشینند و صحبت می‌کنند. دقیقاً مسئله‌ی که در دو سال گذشته بین من و کارگردانان ایرانی اتفاق افتاده این است که زیرمجموعه‌ی جلوه‌های ویژه قرار بگیریم، در حالی که کاری که آن‌ها می‌کنند چیست و کاری که ما طراحی می‌کنیم چیست. من اصلاً نمی‌خواهم بچه‌های جلوه‌های ویژه را خراب کنم، چون آن‌ها رقیب من نیستند رفیقان من هستند اما متأسفانه برخی این را نمی‌فهمند. این‌ها همکاران من برای به وجود آوردن یک صحنه‌ی بسیار زیبا و هیجان‌انگیز هستند ولی کسی که می‌تواند تصمیم بگیرد این صحنه خوب است یا نه، کارگردان حرکات اکشن است و مسئول جلوه‌های ویژه نمی‌تواند به من بگوید که مثلاً از طبقه‌ی پنجم بپریم پایین. من بسیار مشتاق هم هستم که بروم و در خانه‌ی سینما این انجمن را به وجود بیاورم اما همه چیز باید بر اساس یک اصولی باشد و نه این که من تنها زیرمجموعه‌ی خانه‌ی سینما باشم.

برای این که عضو خانه‌ی سینما شوید چه انتظاری دارید؟

خانه‌ی سینما اصلاً چه چیزی است و چه کاری برای جامعه‌ی سینمایی انجام می‌دهد؟ در یک سال گذشته، تازه یک کارهایی برای بیمه شدن اهالی سینما انجام داده است. بنابراین اول ببایم و ببینیم خانه‌ی سینما چیست و چه کاری می‌تواند برای من انجام بدهد، بعد من بگویم با همه‌ی تشکیلات و امکاناتم حاضر بروم زیرمجموعه‌ی آن بشوم یا نه. حتی وزارت ارشاد برای من چه کاری انجام می‌دهد جز این که به من مجوز بدهد. من تمام مراحل را پله‌پله برای گرفتن مجوز طی کرده‌ام. شخصی مثل آقای محبی در وزارت ارشاد برای این که من بتوانم مجوز بگیرم، جنگید و من این آدم را تاج سرم قرار می‌دهم. خانه‌ی سینما فقط برای این که من را خراب کند از وزارت ارشاد در مورد من استعلام گرفت. ۴۰ فیلم کار کردن در طول ۲

سال اصلاً شوخی نیست، اما مسئولان خانه‌ی سینما می‌آیند و می‌گویند ما از پیمان ابدی فقط یک سکانس بزبز بزن در راه بی‌پایان دیده‌ایم. آیا این موضوع خجالت ندارد؟

شما سال‌ها در آلمان کار کردید و آن‌جا خیلی موفق بودید. آیا در فیلم‌های هالیوودی هم حضور داشتید؟

دانیل کریگ برای فیلم کازینو رویال، از مجموعه فیلم‌های جیمز باند، به آلمان آمد و سه ماه پیش ما دوره دید و یک بخشی از تمرینات ایشان را من انجام دادم که برای اولین بار به آن اشاره می‌کنم. من حتی هنوز هم با سینمای آلمان و خارج از کشور ارتباط دارم، به عنوان مثال چند وقت دیگر قرار است بروم و یکی - دو کار در لبنان و ترکیه انجام بدهم. متأسفانه مسئله این است که مردم ما نمی‌توانند از بعضی از خبرها مطلع شوند. من پشت‌صحنه‌ی همه‌ی فیلم‌هایی که کار کرده‌ام را دارم ولی به این دلیل که مثلاً در گرمای ۴۵ درجه با شلوارک هستم و این برای جامعه‌ی ما قابل قبول نیست، نمی‌توانم آن‌ها را نشان بدهم.

در سری جدید کبرا ۱۱ که در حال پخش است هم حضور داشتید؟

در ۴ قسمت اول کار بودم و بعد به ایران آمدم. البته این مجموعه‌ی جدید که در ایران در حال پخش شدن است متعلق به چهار سال پیش است. بعد از دو سال کار در ایران حالا چه چیزهایی برایتان مهم شده است؟ من تازه بعد از دو سال آن هم به توصیه‌ی بقیه یاد گرفته‌ام که بخواهم

یک فیلم خشک و خالی که نه هیچ هیجانی دارد و نه چیز دیگری را نگاه کنیم. چشمک زدن یک پسر جوان به یک دختر یا دو زنه بودن فلانی که نشد فیلم! چه قدر ما باید فیلم‌های تکراری ببینیم؟ چرا ما نباید در مورد تاریخ خودمان با آن صحنه‌های عظیمی که می‌شود تولید کرد، فیلم بسازیم؟! شما طی این دو سال که ما کارمان را شروع کرده‌ایم ملاحظه بفرمایید که چه قدر فضای فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی تغییر کرده است و حتی در بدترین فیلم‌ها هم چند اتفاق وجود دارد. مردم دوست دارند شاهد هیجان باشند و دیگر خسته شده‌اند از بس که یأس و ناامیدی در فیلم‌هایمان نشان دادیم. مردم خودشان هزار و یک مشکل دارند.

به جای این که بخواهیم چهار تا بازیگر بیاوریم، یک بی‌امو را متلاشی کنیم بعد ببینیم مردم برای دیدن این صحنه چه کار می‌کنند، اما تهیه‌کننده ترجیح می‌دهد بی‌امو را بگذارد زیر پایش و پراید را متلاشی کند. کاری نکنیم که بازیگران ما این قدر سر فیلم‌ها آسیب ببینند که کار کردن با آن‌ها سخت شود؛ مثل محمدرضا فروتن سر صحنه‌ی پستیچی سه بار در نمی‌زند، که این قدر در کارهای قبلی آسیب دیده بود راضی نمی‌شد صحنه‌ها را بازی کند. نیاییم از فیلم‌هایمان ایراد بگیریم تا مردم مجبور شوند بروند فیلم‌های خارجی ببینند، بیاییم خودمان فیلم‌های درست و حسابی بسازیم تا سینماها شلوغ شود.

چهل فیلم کار کرده‌اید، فکر می‌کنید کدام یک از کارگردانان ما واقعاً اکشن کار هستند؟

بهروز افخمی که واقعاً دلش می‌خواهد کار اکشن متفاوت کند و در قسمت دوم عملیات ۱۲۵ هم کارهای اکشن عجیب و غریبی خواهید دید و مهدی فخیم‌زاده که به اعتقاد من تنها کارگردانی است که درک درستی از اکشن دارد و می‌داند دنبال چه چیزی از اکشن در فیلم‌هایش است. البته من تا به حال با آقای فخیم‌زاده کار نکرده‌ام اما از کارهایی که از ایشان دیدم متوجه شدم واقعاً علاقه‌مند است سینمای اکشن یک تحولی پیدا کند. من فکر می‌کنم فخیم‌زاده تنها کارگردانی است که دلسوزانه کار اکشن می‌کند اما مابقی کارگردانان واقعاً هنوز ذهنیت اکشن ندارند.

استقبال از آموزشگاه چه طور بوده است؟

خیلی خوب؛ این قدر علاقه‌مند هست که من منتظرآم آموزش گروه فعلی کامل شود و مدارک این گروه را به آن‌ها بدهم تا آموزش گروه بعدی را شروع کنم. یک باشگاه اختصاصی با همه‌ی امکانات در حد خارج از کشور را حدود یک سال است که در جاجروود تدارک دیده‌ام و کاملاً مخصوص این حرفه است.

در این آموزشگاه قرار است چه چیزی آموزش داده شود؟

قرار است بازیگری اکشن یاد داده شود، مثل همین کاری که در فیلم‌ها به شهاب حسینی، محمدرضا فروتن، پژمان بازغی و ... یاد دادیم که در عین این که بتوانند دیالوگ‌هایشان را بگویند یک صحنه‌ی اکشن را هم واقعی بازی کنند؛ برای مثال یاد بگیرند که بدون این که آسیبی به خودشان بزنند از یک پله خودشان را پرت کنند.

از بین همه‌ی بازیگرانی که با آن‌ها کار کرده‌اید، کدام بازیگر است که واقعاً استعداد کار اکشن را دارد؟

ما بازیگرانی را داریم که واقعاً از لحاظ چهره و فیزیک قابلیت تبدیل شدن به یک ستاره‌ی اکشن را داشته باشند، مثل شهرام حقیقت‌دوست، پژمان بازغی، پوریا پورسرخ و چند بازیگر دیگر که متأسفانه اسمشان الآن یاد نمی‌آید؛ حتی محمدرضا گلزار هم می‌تواند، اما گلزار خودش را در این چند سال گذشته به عنوان بازیگر در سطحی قرار داده که تصور بازی اکشن برایش سخت است ■



اسم‌ها را در عنوان‌بندی بنویسند؛ هرچند در برخی فیلم‌ها مثل ریسمان باز اسم من و اعضای گروه‌م نه در عنوان‌بندی ابتدایی آمد و نه در عنوان‌بندی انتهایی، در حالی که اگر ما حضور نداشتیم معلوم نبود چه بلایی سر مردم می‌آمد. رها کردن یک گاو آن هم در شهرک غرب که شوخی نبود اما ما توانستیم این صحنه‌ها را طوری کنترل کنیم که اصلاً کسی متوجه این موضوع نشد که همه چیز کنترل شده بود.

اعضای گروهتان چند نفرند؟

سی و هشت نفر که چهارده نفر آن‌ها خانم هستند. این خانم‌ها را وقتی ببینید اصلاً باورتان نمی‌شود که بتوانند چنین کارهایی را انجام دهند اما از طبقه‌ی سوم یا چهارم خودشان را پرت می‌کنند پایین و حتی از ماشین در حال حرکت خودشان را می‌اندازند بیرون که البته بعد از یک سال کار مداوم به این درجه رسیده‌اند، ولی متأسفانه اجازه‌ی حضور آن‌ها در فیلم‌ها وجود ندارد.

بعد از دو سال کار در سینمای ایران، بیش‌ترین مشکل سینمای اکشن را در چه چیزی می‌بینید؟

مسئله‌ی اصلی، تهیه‌کنندگان هستند که بعضی از آن‌ها واقعاً تخصص لازم در این زمینه را ندارند. نه من، هر کس دیگری هم که جای من باشد دوست دارد در سینمای ایران فیلمی ببیند که واقعاً پول درست و حسابی در آن خرج شده نه این که کلی پول را به چهار تا بازیگر بدهیم و آخر سر هم